گفت و گو با مهران مدیری

«من نابغه نیستم»

گروه ادب وهنر: مهران مدیری همیشه سرخوش پشت مانیتور تلویزیون کیلومترها با مدیری این سمت دوربین متفاوت است.آرام، ساکت و جدی! .حالا این بر میگردد به شکل و شمایل مجموعه جدیدش یا خودش...؟ شق و رق و خشک و رسمی.آن هم کارگردانی با پیشینه ای چون ۷۷، ببخشید شما، پلاک ۱۴، پاورچین و... که همه او را با طنزهایش میشناسند و خنداندن هایش . مدیری که تحصیلات

تکمیلی در رشته کارگردانی تلویزیونی را در خارج از کشور گذرانده علاوه بر رشته تخصص اش در زمینه تئاتر، آهنگسازی، طراحی صحنه و نویسندگی هم بارها تلاش کرده و موفقیت هایی داشته از جمله طراحی صحنه فیلم سینمایی "دیگه چه خبر" و موسیقی و صحنه آرایی کاری که در پیش دارد. مهران مدیری که فعالیتش را در صدا و سیما از اوایل دهه شصت در رادیو آغاز کرده طی چند سال اخیر با ساخت پر بیننده ترین مجموعه های طنز در تلویزیون تا حدی توانست با آوردن سبکی نو، جریان ساز باشد و روند برنامه سازی طنز را سمت و سویی امروزی تر و در عین حال مخاطب پسند تر بخشد. مجموعه جدیدی از این کارگردان در حال ساخت است که چندان مایل به توضیح درباره اش نیست و ظاهرا حال و هوای کارهای قبلی اش،- طنز- را ندارد. این مجموعه به زودی از شبکه سوم سیما پخش خواهد شد.

www.ModiriFans.com
The Source Of Mehran Modiri

• خنداندن مردم ایران کار آسانی نیست. به اضافه اینکه طنز در ایران چندان با اخلاقیات سازگاری ندارد. طبعا وارد شدن به این مقوله هم مشکلات خاص خود را در پیش خواهد داشت به خصوص در بحث پیچیده برنامه سازی.

به نظر من مسئله ضد اخلاق بودن طنز،مختص ایران نیست. برای ایران هست ولی جزو خصوصیات اصلی طنز است که در تمام دنیا رعایت می شود تا به طنزی مطلوب که مردم را بخنداند نزدیک شود. تقریبا در تمام دنیا یکی از جذاب ترین بخشهای کمدی، وقاحت آن است،یکی مسئله سیاسی است و دیگر مسئله نظامی. این سه عنصر در طنز درهمه دنیا مسئله است . منتها در ایران با زمینه های فرهنگی و مسائلی که داریم نمی شود به راحتی شوخی کرد . در شروع هر کاری من به اولین چیزی که فکر میکنم احترام بسیار شدید به بیننده است . فاکتوری که کمتر به آن توجه می شود . احترام گذاشتن معانی مختلفی دارد . برنامه خوب ساختن خودش یک نوع احترام است. دیالوگ های زیرکانه نوشتن،طراحی صحنه و لباس و نور خوب،...کلا باید برای بیننده با تمام شایستگی هایش و در هر قشری که باشد احترام قائل باشد و تمام این اقشار هم این احترام را درک

می کنند . ما فکر می کنیم که مثلا یک کارگر ساده یا هر فردی از طبقه پایین اجتماعی هر چیزی را که ببیند یا بشنود دوست دارد با آن ارتباط برقرار می کند، متاثر میشود می خندد، در حالی کـه واقعـا این طور نیست . او هم به طور ناخودآگاه حس احترام شما را درک میکند ولی ممکـن اسـت تعریـف چندان مشخصی برا آن نداشته باشد. به هـر حـال ایـن حـس بـه طـرق مختلـف- مـستقیم یـا غیـر مستقیم- به او منتقل شده است . پس مهمترین مسئله برای من احترام به مخاطب اسـت در زمینـه طنز هم این کلیت وجود دارد . شاید کمی شـدیدتر از کارهـای جـدی و اینکـه بـدانیم بیننـده مـا بـه سادگی، مخاطب طنز قرار نمیگرد . به سادگی نمی خندد، بـه خـصوص بـه خـاطر روحیـات عبـوس شرقی ها . نکته دوم این است که هدف برنامه ما مشخصا چیست؟ بعضی معتقدند که کـار طنـز مـی تواند جنبه سرگرمی داشته باشد . عده ای معتقدند که باید پر محتوا هـم باشـد . در ایـن سـال هـای اخیر، من به جنبه سرگرمی کارهایم خیلی اهمیت می دادم . چرا که به اعتقاد من با شرایطی که مردم ما دارند و فشارهای عصبی موجود، این یک جور وظیفه اجتماعی است . ولـی کـم کـم دارم بـه ایـن نتیجه می رسم که در کنار این سرگرمی می شود حرف های جدی تر و بزرگ تری هـم زد کـه بـرای تمام اقشار مفید باشد . برنامه جدیدمان هم فکر میکنم این خصوصیت را دارا باشد و در کنـار جنبـه سرگرمی، جنبه اجتماعی خیلی برنده و پر قدرتی دارد .

• کلا قلق اصلی شما برای جلب مخاطب چیست؟در واقع آن برگ برنده تان چیست؟

مهمترینش صمیمت است عدم ظاهر سازی . یکی از عمده ترین مشکلاتی که در اکثـر کـارگردان هـا ، تهیه کننده ها ، بازیگران و دیگر عوامل وجود دارد- که در داخل ایران بیشتر از خارج کشور به چشم می خورد- تظاهر به بیشتر دانستن است . این بیننده را به شـدت از شـما دور و منزجـر مـی کنـد . ترفندی که شما می گویید صداقت کامل است . این که به بیننده بگوییم ما گروهی هستیم ، جمع شده ایم ، و در حد بضاعت فکری مان برنامه می سازیم . بیشتر از شما نمی فهمیم . یک چیزهـایی بلـدیم که ممکن است شما بلد نباشید و این شغل ماست . ما در شغل خودمان واردیم شما در شغل خودتان، و هیچ وقت این مقایسه صورت نمـی گیـرد کـه یـک عـده نشـسته انـد و برنامـه ای را مـی بیننـد سازندهاش از آنها بیشترمی فهمد ، هنرمندتر است و خیلی چیزهای دیگـر . بیننـده نـسبت بـه ایـن موضوع به شدت واکنش نشان می دهد . وقتی یک مجری تلویزیونی به مادران توصیه می کنـد کـه شبها قبل از بچه ها بگویید مسواکتان را بزنید، مسواک زدن خیلی چیز مفید و خوبی است اما بیننده را از خود منزجر می کند . چرا که او حق ندارد و در این حد نیست که فکر می کـد بیـشتر از مـا مـی فهمد . جلوی آن تلویزیون اسـتاد دانـشگاه، دبیـر، نویـسنده شـاعر ،دکتـرای فیزیـک اتمـی ،بقـال، هنرمند،نانوا نشسته . زمانی که شما شروع می کنید به نصیحت و تظاهر بـه بیـشتر دانـستن مـی کنید بیننده را از خودتان دور می کنید . آن برگ برنده ای که می گویید برای من همیشه ایـن بـوده، هست و خواهد بود . ما وظیفه مان این است که بدون هیچ تظاهر و کاملا صادقانه آنچـه را کـه فکـر می کنیم باید گفته شود، نشان دهیم و این کار باید با سادگی ،صراحت و فروتنی صورت بگیرد. این کد بسیار مهمی است برای ارتباط با بیننده . فروتنی در برنامه سازی، فروتنی در اجـرا و صـادقانه گفتن تمام مشکلات و مسایل . مثلا من وسط نمایش می گویم ((هیس)) یا ((صدا بردار کـه ...)) یـا بـا

www.ModiriFans.com
The Source Of Mehran Modiri

اشاره به تصویر بردار می گویم((اونم که مثلا الان داره تصویر می گیره خوابه)) واقعیاتی است که وجود دارد و اینکه ما کار بزرگی نمی کنیم . خیلی ها در برنامه سازی هایشان هی می خواهند نشان دهند که کار بسیار بزرگ و پیچیده ای انجام می دهند ((ما خیلی زحمت می کشیم . خیلی خسته میشیم...))برای همین شما با وجود بازی خوب بازیگران و قصه خوب متن با آن ارتباط برقرار نمی کنید و نمی دانید چرا ارتباط برقرار نمی شود . این ((چرا)) همان حسی است که از شما منتقل می شود . من معتقدم از این سمت دوربین به آن سمت که مخاطب قرار گرفته موجی منتقل میشود . انتقال موج مثبت، حضور فیزیکی نمی خواهد . حتی با وجود کیلومترها فاصله .
موج مثبت موجی است که با فروتنی و احساس است انجام وظیفه به مخاطب میرسد . به همین سادگی . این کار وظیفه من است . اصلا دارم پولش را می گیرم ، هیچ منتی بر سر مخاطب نیست و محترانه و شرافتمندانه آنچه را که در توان داریم باید انجام دهیم تا بیننده این احترام، شرافت و فروتنی را حس کند.

• اما شما خودتان هم این دیالوگ ها را می گویید((بچه های ما دارند زحمت می کشند، جان می کنند، عرق می ریزند...))این منت گذاشتن نیست؟
نه . نه . این فقط تقدیری است از گروه . اگر راجع به این موضوع حرف زده ام به این مضمون و به این دلیل بوده که این مجموعه ها (پاورچین ، ۷۷،...) ماحصل تلاش یک گروه است . یچ ربطی به فرد((من)) ندارد که مثلا من نابغه ام . یک جمع نویسنده وجود داشته که همیشه فکر های تازه به ما تزریق کرده اند ، یک گروه خیلی صمیمی و دلسوز که کار می کنند،خسته می شوند، دو شب است نخوابیده اند . من به عنوان کارگردان و مسئول کار موظفم این را به مردم منتقل کنم . من ثمره کارم چه از نظر مادی و چه از جانب استقبال مردم می گیرم . ولی بچه های پشت صحنه با این همه سعی و تلاش هرگز دیده نمی شوند یک صدا بردار ، تنها پولش را می گیرد بدون اینکه کسی او را بشناسد، در حالی که کار، کاری است گروهی که همه در آن به یک اندازه سهیم اند .

• تلویزیون از دو بخش عمده تشکیل شده : صدا و سیما . به عبارت بهتر کلام و تصویر . در طنز تلویزیونی بیشتر به طنز کلامی معتقدید یا تصویری؟
بستگی دارد . هر نمایشی - طنز یا غیر طنز- که بر کلام متکی است مخصوص رادیو است و هر نمایشی که به تصویر متکی است مخصوص تلویزیون است . ولی عمدتا این جوری نیست . مثلا آثار آتول فوگارد از جمله سلام وخداحافظ ، به شدت متکی به دیالوگ است در حالی که اثر نمایشی روی صحنه ،یعنی تصویری است اما شما ضعفی در آن حس نمی کنید . به لحاظ دیالوگ نویسی پر قدرتش است که با تکیه بر کلام می تواند یک ساعت بیننده را جلوی سن بنشاسند . یا حتی سیاه بازی خودمان که ریشه قدیمی دارد و واقعا مردم را جذب می کند و بیشترین ارتباط را این آدم ها برقرار می کنند . به این دلیل که این طنز کلامی و این بداهه گویی آنچنان قوی و شیرین صو رت می کیرد که بیننده احساس کمبود نمی کند که دارد یک کار رادیویی می بیندااین استثنائات وجود دارد. اما در تعریف کلی ،طنز کلامی جای خودش را دارد، طنز تصویری جای خودش را. هیچ کداموص را

www.ModirFans.com
The Source Of Mehran Modiri

نمی توان بر دیگری ترجیح داد. در تلویزیون باید هر دو را به یک اندازه رعایت کرد. خصوصیات تصویری به اتکای کلام .

• نقش نویسنده چقدر است،چه از نظر تصویری و چه کلامی؟نویسنده تا چه اندازه ایفای نقش می کند؟

سهم نوشته ها در نوع کار ما خیلی زیاد است . این تجربه را ما در پاورچین کسب کردیم . کارهای پیش از این مثل ۷۷ یا پلاک ۱۴ یا ... خیلی متکی بر بازیگر و بداهه گویی بود،خصوصا ۷۷ . روزهایی می شد که ما اصلا متن نداشتیم و واقعا با بداهه پیش می رفتیم . موفق هم بودیم . اما پاورچین تنها کاری بود که متن مکتوب از پیش تعیین شده داشت و بازیگرها ذیالوگ ها یشان را حفظ می کردند . این اولین بار بود که همه چیز منظم بود و دیدیم که این چقدر تاثیر خوبی داشت . قصه های خوبی که پیمان قاسم خانی نوشت یا علی رضا فصیحی یا محراب قاسم خانی و دیگران، متن های کاملا تکمیلی بودند که حتی دیالوگ نویسی هم برایشان شده بود . آنجا بود که دیدیم چقدر این قضیه مهم است و ما همیشه از آن غافل بوده ایم . متن داری میزانسن شد و توانستم یک وقتهایی دکوپاژ کنم و قبلااین امکان را نداشتیم چون متن مشخص نداشتیم . یک متن خوب، کامل و منظم روی دکوپاژ، روی بازیگر، روی تسلط کارگردان و کلیت ـن قسمت خیلی موثر است و همچنین قصه های خوب . قصه هایی که درام دارند،قصه هایی که بر اساس اصول نمایشنامه نویسی یا فیلمنامه نویسی نوشته شده اند . در پاورچین نقطه شروع داشتیم ، روند مشخص و نقطه اوج . فینال و پایان درست . پاورچین درصد زیادی از موفقیتش را مدیون متن های خوب است و قصه های خوب .

www.ModiriFans.com
The Source Of Mehran Modiri

• یعنی قبلا دکوپاژ نمی کردید؟

نه بداهه این کار را می کرد .

• حتی جنگ ۷۷؟

بله . هشتاد درصد اتکا بر بداهه بود . ما یک قصه کلی از طرف نویسنده هایمان داشتیم . من می آمدم پنج دقیقه توی اتاق مینشستم مثل ای کیو سان . فکر می کردم ،یک داستان درست می کردم بعد می گفتم موضوع این است حالا برویم و شروع می کردیم به ضبط . او می گفت، من می گفتم، او می گفت، من می گفتم و این هی پرداخت می شد مثل کارهای تجربی . مثل یک اتود،اتود تئاتری و بعد می دیدیم که بد هم نشد . تنها متن های مکتوب ما بخش ادیب بود که رامین ناصرنصیر آن را اجرا می کرد و توسط آرش عرفانی به طور کامل نوشته می شد . ولی بقیه کارها بداهه بود بدون هیچگونه روتوشی . برای اینکه بکر از آب در می آمد و کم کم تبدیل شد به یک سبک. بعضی قسمت ها هم واقعا موفق بود . حتی دیر مجله فیلم منتقدی راجع به یکی از نمایش ها که با یک گفت و گو بین من (رامین) و مریم شروع شد نقدی نوشت . این گفت و گو به طور کانلا بداهه رسید به خودمان ، که من گفتم :((اصلا تو فکر کردی کی هستی؟ مثلا بازیگری؟))او گفت: ((تو فکر کردی کی هستی؟...)) ((مثلا الیزابت تیلری که تصویرت پخش میشه ؟ تو همین لاله صبوری هستی))و این

فاصله گذاری اینقدر به تدریج عجیب و غریب اتفاق افتاد که بیننده اصلا نفهمید چی شد و این کار به عنوان یکی از نمونه های بسیار خوب فاصله گذاری شناخته شد .

• هنوز به تجربه بداهه معتقدید،بعد از تجربه پاورچین؟
از بازیگر های خوب و مسلط نمی شود بداهه را گرفت . یعنی نمی شود بازیگر را محدود کرد به متن . چون بعضی از بازیگرها درلحظه چیزهای بسیار خوبی به ذهنشان می رسد که جلوشان را نباید بگیری یا کات بدهی تا حتما طبق متن پیش بروند . این کار خیلی اشتباهی است . بستگی دارد به بازیگر و توانایی هایش .

• ساختار چطور ، به سبک و الگوی خاصی هم معتقد نیستید؟
متغیر است . بیشتر به موضوع مربوط می شود . به ساختار خود آنچه که می خواهیم بگوییم یا در واقع ساختار تولیدش . چیز استانداردی برایش وجود ندارد . مثلا کار جدید ما باید سه دوربینه باشد . ما هیچ موقع سه دوربینه کار نکرده ایم . در این کار سوئیچ نمی کنیم . می خواهم سه تا دوربین بگذارم که از اول تا آخر هر سه تا همزمان همه را ضبط کنند و توی مونتاژ بنشینم و کار کنم تا هیچ لحظه ای از دست نرود . لحظه حسی ای که بین من و مخاطب اتفاق می افتد یا در درون خود آن شخص . بستگی دارد به موضوع . هر بار عوض می شود .

www.ModiriFans.com
The Source Of Mehran Modiri

• و این ساختار در تلویزیون و سینما هم همین طور است؟ منظورم تفاوت طنز تلویزیونی با طنز سینمایی است.
تفاوتش مثل بستنی سنتی و بستنی ایتالیایی است. اساسا آنچه در تلویزیون تولید می شود باید با آنچه در سینما ساخته میشود تفاوت هایی داشته باشد. ممکن است فیلم کمدی ای ساخته شود برای مخاطب عام . مثل توکیو بدون توقف . کار تلویزیونی هم همینطور، برای مخاطب عام است . ولی یک چیزهای حسی یا ساختاریک.چکی در تلویزیون وجود دارد که آن را از سینما جدا می کند و توضیح واضحات است . جدا از همه تفاوت های بدیهی من فکر می کنم ما می توانیم همینطور عریان و صمیمانه کاری را که در تلویزیون انجام می دهیم عینا به سینما ببریم و یک جور ساختارشکنی کنیم . سینما خصوصیات خود را دارد ولی می توان یک سری خصوصیات را در آن از بین برد . کاری که من در فیلم سینمایی ام می خواهم آن را عملا تجربه کنم و دوربین را برای اولین بار به عنوان (Point Of View) P.O.V همگام با سوژه حرکت کند . اینقدر که با سوژه بخورد به دیوار تکان بخورد . اگر چهار دور، دوربازیگر می چرخد بعد سرش گیج برود .یک جور کمدی مثل شوخی های زوکری . این اتفاقی است که تا به حال در سینمای ما پیش نیامده . شکستن تمام ساختار های سینمایی به شکل کمدی و نشان دادن عین آنچه در تلویزیون قابل نمایش است.دوربین، صدا، بوم که توی کادر می آید . همه اینها را به عنوان یک ریسک بزرگ بیاورم توی سینما به شکلی که همه چیز شوخی باشد حتی صدا و نورو تصویر . حتی کار بازیگران و آوردن فاصله گذاری به سینما .

• در تلویزیون از پیچیدگی های سینمایی چندان خبری نیست . برای همین معمولا داستان ها پایانی قابل پیش بینی دارند . با این حال یکی از خصایص کار های شما پایان های غیر قابل پیش بینی است که آن را از سایر برنامه ها جدا می کند . این غیر منتظره بودن از کجا ناشی می شود و تا چه حد آگاهانه صورت می گیرد؟

شاید این جرقه از وقتی که من داستان های ا . هنری را خواندم اتفاق افتاد . در تاریخ ادبیات ، خصوصیات داستان های ا . هنری پایان های به شدت غافلگیر کننده است. داستان های گی دو مو پاسان یا امیل زولا هم این خصوصیات را دارند. ولی استاد همه اینها ا . هنری است.

روزنامه ی شرق – دوشنبه ۵ آبان ۱۳۸۲

www.ModiriFans.com™

www.ModiriFans.com
The Source Of Mehran Modiri